

چه کسانی از خشم و اعتراض مردم سودجویی می کنند؟



محمد رهبری
جامعه‌شناس و پژوهشگر
شبکه‌های اجتماعی

روند اتفاقات ماه‌های اخیر گویای آن است که سطح انرژی جامعه بالا رفته و جامعه جان دوباره گرفته است، واکنش‌های عمومی به وقایعی نظیر ساخت پارک در پارک‌های قطریه به لاله، بازگشت دوباره گشت ارشاد به خیابان و آغاز طرح نور، اعلام حکم اعدام برای توماج صالحی و... همگی بیانگر آن است که حساسیت جامعه به اتفاقات اجتماعی-سیاسی بیشتر شده است. در کنار مسائل اجتماعی-سیاسی، وضعیت سخت و اسفناک اقتصادی، فشار بیشتری به مردم وارد کرده و می‌تواند به‌مرور منجر به انباشت خشم شود.

در شرایطی که اوضاع نابسامان اقتصادی به‌تندی می‌تواند منجر به انباشت خشم شود، منطقی حکم می‌کند که از انجام اقداماتی که به منزلت‌نفت روی آتش باشد، جلوگیری شود. با این حال حداقلاً در چنین شرایطی، گروهی اقدام به اجرای سیاست‌های تحریک‌آمیز می‌کنند که به خشم و ناراضیاتی موجود در جامعه دامن می‌زند. پرسش این است که چرا این گروه چنین اقداماتی را انجام می‌دهد؟ آیا بابت تبعات اجتماعی و سیاسی آن نگرانی ندارد؟ آیا اعتراضات ۱۴۰۱ برایش درس عبرتی نشده که از تکرار رفتارهای غلط اجتناب کند؟ برخی معتقدند که ایدئولوژی و باورهای افراطی عامل اصلی تداوم رفتارهایی است که خشم و ناراضیاتی تولید می‌کند؛ براساس این دیدگاه، کسانی که با سیاست‌هایشان تولید خشم و ناراضیاتی می‌کنند کاری به نتیجه اجرای این سیاست‌ها ندارند بلکه صرفاً آن را یک «وظیفه» قلمداد کرده که فارغ از نتیجه آن، باید انجام شود. هر چند این دیدگاه را نمی‌توان رد کرد اما به‌نظر می‌رسد افزایش خشم و ناراضیاتی در جامعه، در صورتی که منجر به اعتراضات خیابانی شود، برای این گروه منافی نیز دارد.

به شکل تناقض‌آمیزی، این گروه سوپرانتقالی با عقاید افراطی، همواره از اعتراضات خیابانی سود برده است. مروری به نتایج سیاسی اعتراضات خیابانی در ۱۵ سال گذشته می‌تواند به‌خوبی منفعت اعتراضات را برای این گروه افراطی نشان دهد:

در سال ۸۸ و به‌دنبال اعتراضات گسترده مردم، جریان افراطی توانست به بهانه این اعتراضات، مخالفان خود را کنار زند و به بهانه مبارزه با «فتنه‌گران»، بهانه درصاحیت هر آن کسی را که با آن اختلاف داشت فراهم آورد و بدین ترتیب جریان رقیب و قدرتمند خود را که در ساختارهای انتزاعی نقش ایفا می‌کرد را از صحنه حذف کرد. از آن تاریخ به‌بعد، بسیاری از افرادی که در انتخابات سال ۸۸ فعالیت‌مستمر داشتند، حتی اگر در اعتراضات پس از انتخابات حضور نداشتند و صرفاً رستادهای انتخاباتی میرحسین موسوی و مهدی کروبی بودند، به این بهانه حذف یا درصاحیت شدند؛ آنچنان که حتی در دولت حسن روحانی، مجلس نهم بسیاری از گزینه‌های معرفی شده توسط حسن روحانی برای وزارتخانه‌ها را به‌بهانه فتنه تحت فشار قرار داد.

نتیجه سیاسی اعتراضات سال‌های ۹۶ و ۹۸ نیز اکنون بیش از پیش روشن است؛ آن دو اعتراض در دولت دوم حسن روحانی، زمینه را برای نابودی اعتبار دولت حسن روحانی و حتی اصلاح‌طلبان فراهم کرد آنچنان که پس از گذشت چند سال هنوز کمر راست نکرده‌اند. اگرچه دولت روحانی نیز در آن مقطع اشتباهاتی داشت، اما به‌دنبال آن اعتراضات و برخوردی که با معترضان صورت گرفت، عملاً محبوبیت حسن روحانی به‌شدت افول کرد و اصلاح‌طلبانی که در انتخابات ۹۶ از او حمایت کردند نیز محبوبیت خود را از دست دادند. سقوط اعتبار دولت حسن روحانی و ناامیدی مردم از صندوق رأی، زمینه را برای پیروزی سعاد و بدون درگرسه‌های افراطی در

انتخابات سال‌های ۹۸، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ فراهم کرد. حال‌سها انتخابات پیاپی است که جریان‌های افراطی بدون هیچ رقیب قدرتمندی در انتخابات پیروز می‌شوند چراکه اکثریت مردم، پس از ناامیدی از نهادهای انتخابی و با این تصور که نمی‌خواهند به کسی مشروعیت و اعتبار بدهند، در انتخابات شرکت نمی‌کنند.

اعتراضات ۱۴۰۱ هم به نحو دیگری زمینه را برای سودجویی جریان‌های افراطی فراهم کرد. هر چند شاید آن اعتراضات در عرصه اجتماعی دستاوردهایی برای معترضان داشت، اما از منظر سیاسی گروهی از آن سود برد که هیچ نسبتی با مردم و خواسته‌های آن‌ها ندارد. اعتراضات ۱۴۰۱ بهانه امنیتی کردن فضا را برای نیروهای تندرو فراهم کرد. پس از آن اعتراضات واتس‌آپ و اینستاگرام فیلتر شد، وزارت کشور و نیروهایی که وظیفه برخورد با معترضان را داشتند قدرت و امتیاز بیشتری گرفتند و سیاست‌هایی اتخاذ شد که زمینه را برای بستن فضا فراهم کرد.

سازوکار سودجویی گروه‌های افراطی از اعتراضات مردم در گفته‌های «محمدرضا شهبازی» را می‌توان به عینه دید؛ جایی که او به‌طور غیرمستقیم ادعا می‌کند به دلیل دفاع از نظام، باید از منافع آن بهره‌مند شود و کسانی که با جریان او هم‌عقیده نیستند حتی حق ندارند در جایگاه یک مجری تلویزیون قرار گیرند.

مروری بر نتایج سیاسی اعتراضات مردم در ۱۵ سال گذشته نشان می‌دهد که همواره یک گروه افراطی از آن بهره برده است. حالا پس از گذشت چندین سال از این اعتراضات، می‌توان بهتر سرانجام سیاسی آن‌ها را ارزیابی کرد. بر این اساس باید بین دستاوردهای اجتماعی و سیاسی تمایز قائل شد. اعتراضات گذشته شاید دستاوردهای اجتماعی برای مردم داشت اما از منظر سیاسی، حداقل در کوتاه‌مدت و میان‌مدت فایده‌ای برای مردم نداشت. این اعتراضات نه‌تنها منجر به تحقق خواسته‌های سیاسی معترضان نشد بلکه فضا را برای سودجویی یک گروه افراطی فراهم کرد.

اعتراض حق مردم است و طبیعی است که مردمی که فشار مسائل اقتصادی و اجتماعی را روزانه احساس می‌کنند دست به اعتراض بزنند. با این حال به‌نظر می‌رسد گروهی از این اعتراضات برای منافع خود سوءاستفاده می‌کنند. بنابراین می‌توان احتمال داد که یک گروه افراطی از وقوع اعتراضات خیابانی استقبال می‌کند چراکه از منافع آن سود می‌برد. با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری، این گروه به‌دنبال تأثیرگذاری بر ساختارهای سیاسی است تا گزینه مطلوب خودش را از صندوق بیرون بکشد. بنابراین، طبیعی است که از افزایش خشم و ناراضیاتی مردم استقبال کند. در اینجا باید تأکید کرد که افزایش ناراضیاتی مردم بدون افزایش خشم، برای این گروه مطلوب نیست چراکه از اعتراضات خیابانی منجر نمی‌شود. بلکه این افزایش خشم عمومی است که می‌تواند زمینه سودجویی این گروه از اعتراضات مردم را فراهم کند؛ چه‌بسا باز بسیاری از اقدامات این گروه که خشم تولید می‌کند را در همین جابجایی دید.

از سوی دیگر، این اقدامات و سیاست‌های غلطی که خشم و ناراضیاتی تولید می‌کند، همراهی یک اقلیت حامی و وفادار که باورهای ایدئولوژیک و افراطی دارند را نیز جلب می‌کند. در نتیجه، به‌خوبی می‌توان گفت که اتفاقا جریانی که درون نظام سیاسی تصمیماتی می‌گیرد که خشم و ناراضیاتی تولید می‌کند اتفاقاً از اعتراضات ۱۴۰۱ عبرت گرفته است. آن‌ها اتفاقاً از تکرار اعتراضاتی مشابه ۱۴۰۱ استقبال می‌کنند چراکه معتقدند آن اعتراضات اگر برای مردم و کشور «آب» نداشت اما برای آن‌ها «تان» داشته است. به‌همین جهت و برای آنکه همچنان فرصت سودجویی از اعتراضات مردم را داشته باشند، هیچ‌نگرانی بابت تصمیماتی که خشم و ناراضیاتی تولید می‌کند ندارند و چه‌بسا عملدانه تصمیماتی می‌گیرند که منجر به انباشت خشم در جامعه شود چراکه انباشت خشم را در جهت منافع سیاسی خود می‌دانند.

هشدار درباره حریم مدارس

بررسی اظهارات دیروز رئیس قوه قضائیه خطاب به ضابطین

بخشنامه‌های وجود دارد که از اجرایی شدن یا نشدن آن خبری در دست نیست؛ به این معنا که در شهریورماه ۱۳۸۲ و در زمان وزارت مرتضی حاجی بر آموزش و پرورش، عبدالرزاق موسوی، مدیرکل دفتر حقوقی وقت این وزارتخانه از ممنوعیت ورود مأموران نیروی انتظامی به مدارس به منظور ابلاغ اوراق قضایی یا جلب معلمان و فرهنگیان خبر داده بود. بنابر اعلام موسوی ممنوعیت ورود مأموران نیروی انتظامی به واحدهای آموزشی جهت ابلاغ قضایی و اجتناب از مواجهه با معلمان در حضور دانش‌آموزان در نامه‌ای با مسئولان نیروی انتظامی مطرح شد؛ نامه‌ای که نهایتاً فرمانده وقت نیروی انتظامی ضمن موافقت با مفاد آن طی بخشنامه‌ای به مسئولان ناجا، دستور اجرای آن را صادر کرد. البته بعید است بخشنامه فرمانده نیروی انتظامی بتواند یک قانون قابل اجرا برای همه واحدهای انتظامی امنیتی و قضایی محسوب شود.

حالا اگر دانشگاه‌ها را به‌عنوان مراکز آموزشی مطرح نظر قرار دهیم، به این نکته پی می‌بریم که وضعیت این مراکز متفاوت است و قوانینی مبنی بر ممنوعیت ورود ضابطین و مأموران به داخل دانشگاه‌ها وجود دارد. گرچه در اعتراضات ۱۴۰۱ و به‌ویژه در حوادث ۱۰ مهر دانشگاه شریف بسیاری از این قوانین نقض شد. همچنین جامعه دانشگاهی کشور بارها اعتراض خود را نسبت به وجود امنیتی در دانشگاه‌ها و حضور گشت‌های امنیتی در محوطه دانشگاه و صدا البته که بر خورد‌های امنیتی با دانشجویان و حتی اساتید عنوان و حتی اعلام کردند که امروز به‌جای ورود نیروهایی از خارج از دانشگاه حراست این مراکز آموزشی و برخی دانشجویان وابسته به جریانات خاص با دانشجویان و اساتید منتقد و معترض بر خورد می‌کنند. هر چند که چند روز پیش محمدعلی زلفی گل، وزیر علوم در سخنانی مدعی شد که «دانشگاه‌های ایران اجازه ورود نیروهای امنیتی به دانشگاه رانمی‌دهد.»

▼ تجربه شکسته شدن حریم مدارس

«در اعتراضات ۱۴۰۱ شاهد این موضوع بودیم که حریم مدارس از حضور ضابطین قوه قضائیه با مأموران محفوظ نبود. همچنین تصاویری را مشاهده کردیم که نشان می‌داد برخی مدارس پایگاه نیروها شده‌اند.» این را



روز اشک و اعتراض

بحث و اختلافات شورای شهر تهران و شهرداری در جلسه دیروز باز هم بالا گرفت

منتقدین خود می‌پردازد. فکر می‌کنند با مقایسه خود با دوره ۱۲ ساله شهرداری اسبق تهران، محبوبیت اجتماعی پیدا می‌کنند و می‌توانند پلکان سیاسی مورد نظر خود را دال رفتن از بهشت به جای دیگر طی کنند. این فکر محفلی و فرقه‌ای آنقدر متوهم است که اجازه نمی‌دهد اقرار بان در مناطق حضور یابد و با سوده نجفی به‌عنوان فرزند شهید برخورد زنده صورت می‌گیرد. اگر این دو عضو شورای شهر و بنده به او رای نمی‌دادیم، حالا شهردار تهران نبود. به‌عبارتی توهم توطئه آنها را به جایی رساند که آنهاپی که او را به شهرداری رسانده اند را هم بخشی از جریان می‌دانند.»

▼ دوگانه‌سازی انقلابی و غیرانقلابی

این عضو هیئت رئیسه گفت: «این تفکر برای رسیدن به منویات خود از تاکتیک‌هایی استفاده می‌کند. آنها در عرصه رسانه با دوگانه‌سازی انقلابی و غیرانقلابی و متهم کردن افراد به ساختن خوراک برای ایران اینترنت‌نشان آن هم خطاب به افرادی مانند دختر حاج قاسم سلیمانی، فرماندهان سابق سپاه و خانواده شهید، دوگانه جعلی و وحدت‌شکنی برای پوشاندن عملکرد ضعیف، انحصاری و باندی خود ایجاد کردند آن‌هم با تکیه بر امپراطوری رسانه‌ای شهرداری تهران، سعی در تهییج افکار عمومی و جریانات انقلابی، علیه منتقدان در شورای شهر تهران دارند.»

شربیانی به این‌که این تاکتیک از نظرات انداختن شورای شهر تهران است، اشاره کرد و تأکید کرد: «ظاهر از ابتدا موفق شدند خط تمایزی را در شورای شهر تهران ایجاد کنند. نقطه عطف این برخورد در جلسه یکشنبه هفته گذشته شورای شهر تهران برای بررسی معاهده چین بود و این روند پیش‌رفت تا ضمحلال نقش شورا پیش خواهد رفت.»

اوسا بیان اینکه بحث و منازعه درباره دستاوردهاست، افزود: «در نگاه خودشان، دستاوردهایی نظیری دارند و از لفظ تاریخی برای آن استفاده می‌کنند در حالی که واقعیت این است که این دستاوردهای جعلی برای کارنامه‌ای معادل هیچ است. این دستاوردهای هر دو حوزه‌های دیگر نیز وجود دارد. انتصابات محفلی به دور از شایستگی در شهرداری و به کار گرفتن انسان‌های کوتاه‌قد و غیرمرتبط به‌عنوان مدیران ارشد شهری باعث به وجود آمدن این شرایط در شهر شده است. اینها دلیل عصبانیت آنهاست. اما دلیل بغض و کینه اینها را بر این می‌تواند به آنها رای داده‌ام نمی‌فهمم؛ گزارش توجیهی که روابط عمومی منطقه ۱۷ به دروغ منتشر کرد. پس از پایان دیدار بنده با مردم، برای نماز رفته قلمی کدکانه از بنده گرفته و منتشر کردند که این تصاویر نیز برگرفته از همان تصاویر پاچه گلی است.»

شربیانی با اشاره به بی‌آبرو کردن شورای شهر، گفت: «در هیچ دوره‌ای از پنج دوره گذشته و حتی زمانی که شهردار مقتدری حضور نداشته، شورای شهر تهران تا این حد تحقیر نشده و با ایجاد رعب و وحشت، از این دوره به عنوان

پریسا هاشمی

گزارشگر شهری هم‌میهن

جعفر بندی شربیانی، یکی از اعضای هیئت‌رئیس شورای شهر تهران برای ملاقات مردمی که تاریخ آن از پیش تعیین شده بود، نتوانست وارد شهرداری منطقه ۱۷ شود و مجبور شد در نگهبانی با مردم دیدار و گفت‌وگو کند. او بر این عقیده است که به دلیل انتقاداتی که به عملکرد شهرداری داشته این رفتار با او شده است. در نظر نگرفتن شأن این عضو شورای شهر تهران و واکنش به آن باز هم اختلاف بین اصولگرایان بهشت‌نشین را بیش از پیش نمایان کرد و اجبار صورت گرفته در انتخاب علیرضا زاکانی به‌عنوان شهردار تهران نیز دوباره و بیش از پیش خودنمایی کرد. در فایل صوتی که زمان انتخاب شهردار تهران منتشر شده بود، مهدی چمران به‌صراحت از فشار برای انتخاب علیرضا زاکانی در گفت‌وگو با نر جس سلیمانی گفت و شاید همین امر بود که چمران و سلیمانی به زاکانی رای ندادند. اما در نهایت زاکانی پیروز میدان شد و انتصاب‌اش هم با مشکلات بسیاری روبه‌رو بود. یکی از انتصابات او شهردار منطقه ۱۷ است که حالا اعضای شورای شهر تهران ادعا می‌کنند که او با منتقدان کنار نمی‌آید و شأن نمایندگان تهرانی در شورای شهر پایتخت را رعایت نمی‌کند.

▼ انشقاق در شورا با تفکر محفلی

جعفر بندی شربیانی در دوپست‌وسوی و چهارمین جلسه

شورای شهر تهران در نطق پیش از دستور خود به موضوع عدم همکاری شهرداری منطقه ۱۷ با او معترض شده و گفت: «تمام مکاتبات رسمی و اداری از قبل انجام شده بود



اما با دفتر بنده تماس گرفتند و از طرف شهردار این منطقه اعلام کردند ما نیستیم. چون این مسئله پیش از این نیز در زمان سوال اعضا شهردار در مورد معاهده چین صورت گرفته بود. این پرسش در ذهن بنده شکل گرفت که شاید به این موضوع ارتباط داشته باشد. در این باره ابتدا با معاونت برنامه‌ریزی، توسعه سرمایه انسانی و امور شورای شهرداری و سپس معاون اقتصادی و مالی تماس گرفتم و گفتند مشکلی نیست. در مسیر حضور در منطقه ۱۷ متوجه شدم که شهردار حضور ندارد، چیزی آماده نیست و دسترسی‌ها فراهم نشده است.»

او افزود: «مردم آمده بودند اما مشاهده شد که این تصمیم سازمانی بوده و یک رسوایی تاریخی رخ داده و بنده در اتاق نگهبانی با مردم به گفت‌وگو پرداختم. سوال اول بنده این است که خط فکری‌ای که می‌گوید با اعضای مخالف برخورد شود از چه طرز تفکری ریشه می‌گیرد؟ به‌نظم چنین خط فکری‌ای از تفکر انحصارطلبانه حکایت دارد و تفکر حذفی و قائل به جمع‌های باندی، محفلی و فرقه‌ای است. این تفکر نظرات قانونی شورای شهر را برنمی‌تابد، فاقد دستاورد است و به‌جای تمرکز بر مدیریت، به خفه کردن صدای